



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران



تقویم و روز شمار ماه جمادی الثانی

۳ جمادی الثانی: شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به روایت ۹۵ روز؛ سال ۵۱۱ ق
 ۱۳ جمادی الثانی: وفات حضرت ام البنین (علیها السلام)؛ سال ۶۴ ق
 ۲۰ جمادی الثانی: میلاد فرخنده حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)؛ سال ۵۵ ق / تولد امام
 خمینی (رحمت الله علیه)؛ سال ۱۳۲۰ ه ق
 ۱۲ بهمن: بازگشت امام خمینی (رحمت الله علیه) به ایران
 ۲۲ بهمن: پیروزی انقلاب اسلامی

در این شماره اسوه می خوانیم:

لزوم تبعیت بانوان از حضرت زهرا (سلام الله علیها)

«بیش مطهر»؛ سیر زندگی ساز

سبک زندگی کوثری (این شماره: سوره تبت)

پرنوی از انسان سازی قرآن و انسان سازی زن (قسمت دوم)

تربیت در محیط خانواده (در مؤاخذه، صراحت لهجه به خرج نده!)

شهید «حسین قجهای» از قاب اسوه

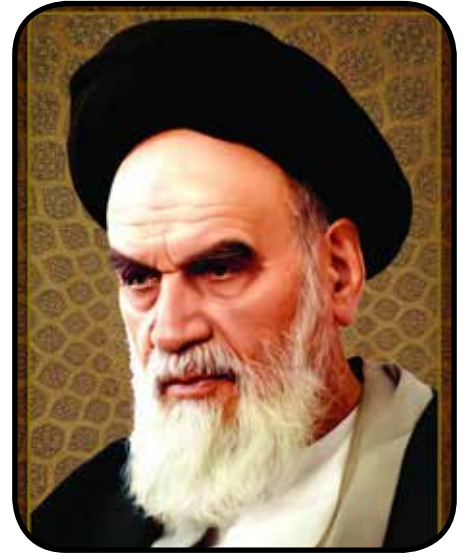
عضو مهمی که نادیده گرفته می شود

علامه مصباح یزدی: امروز مقام معظم رهبری نماد راه اهل بیت (علیهم السلام) است

حضرت ام البنین (سلام الله علیها) و زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

ای منتظر قدم زمامدار عادل مطلق؛ او منتظر توست!





لزوم تبعیت بانوان از حضرت زهرا (سلام الله علیها)



و شما افتخار کنید و همه ما، که این روز را روز «زن» قرار داده‌اند و باید که مسئولیتش هم به عهده بگیرد. اگر شما پذیرفتید که روز بیستم جمادی‌الثانیه که روز تولد حضرت زهراست، پذیرفتید که روز زن باشد، این روز را پذیرفتید، این به عهده شما خیلی مسائل را می‌آورد. اگر یک ملتی پذیرفت که فلان روز، روز «جهاد» است، این باید در آن روز مشغول مجاهده بشود. اگر کسی مشغول مجاهده نشد، این نپذیرفته است که آن روز، روز جهاد است.

اگر یک وقت یک ملتی پذیرفت که امروز روز جنگ است، اگر کسی پذیرفت که روز جنگ است و تخلف کند، برخلاف وظیفه انسانی خودش عمل کرده.

اگر شما زن‌ها هم و زن‌های ما هم همه، کشور ما همه، پذیرفتند که امروز روز زن است؛ یعنی روز تولد حضرت زهرا (سلام الله علیها) که آن کمال و آن وضعیت را دارد، پذیرفتید که روز زن است، به عهده شما مسائل بزرگی [خواهد آمد]؛ از قبیل مجاهده، که حضرت مجاهده داشته است. حضرت به اندازه خودش که در این ظرف کوتاه مجاهده داشته است، مخاطبه داشته است با حکومت‌های وقت، محاکمه می‌کرده است حکومت‌های وقت را. شما باید اقتدا به او بکنید تا پذیرفته باشید که این روز، روز زن است؛ یعنی روز تولد این حضرت روز زن است. زهد و تقوا و همه چیزهایی که داشته است و عفاف که او داشته است و همه چیز، شما باید اگر پذیرا شدید، آن‌ها را تبعیت کنید و اگر تبعیت نکردید، بدانید که شما داخل در روز زن نیستید، هر کس نپذیرفت، این در روز زن وارد نشده است و در این شرافت وارد نشده است.

مجاهدت زنان در میدان تحصیل و دفاع از اسلام

و من امیدوارم که شما بپذیرید و شما هم به آن وظایفی که باید عمل کنید، که هم در میدان تحصیل که یکی از امور مهمه است مجاهده کنید و هم در میدان دفاع از اسلام. این از مهماتی است که بر هر مردی، بر هر زنی، بر هر کوچک و بزرگی جزء واجبات است. دفاع از اسلام، دفاع از کشور اسلامی، احدی از علمای اسلام، احدی از اشخاصی که در اسلام زندگی کرده‌اند و مسلم هستند، در این جهت خلاف ندارند که این واجب است. آن چیزی که محل حرف است، محل صحبت است، قضیه جهاد اولی است، آن بر زن واجب نیست، اما دفاع از حریم خودش، از کشور خودش، از زندگی خودش، از مال خودش و از اسلام، دفاع بر همه واجب است. اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه اینکه ترتیب نظامی بودن، یادگرفتن انواع نظامی بودن را برای آن‌هایی که ممکن است. این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع می‌کنیم. البته در آن محیطی که شما تعلیم نظامی می‌بینید باید محیط آزاد باشد، محیط صحیح باشد، محیط اسلامی باشد، همه جهات عفاف محفوظ باشد، همه جهات اسلامی محفوظ باشد.

صحیفه امام خمینی (رحمت الله علیه)، ج ۲۰، صفحات ۴ تا ۹.

«بینش مطهر»؛ سیر زندگی ساز

سیدجعفر حسینی

مسئله این است که ما همیشه در زندگی با «مسئله» مواجه هستیم. و اگر بگوییم زندگی یک مسئله بزرگ است با هزاران مسئله کوچک؛ حرف گزافی نگفته‌ایم.

این یک واقعیتی است که انسان در هر دوره از زندگی‌اش با مسائل مختلف و جدیدی مواجه می‌شود و هرچه از دوران کودکی فاصله می‌گیرد و بزرگ‌تر می‌شود مسائلش هم بزرگ‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. از جمله مسائل مهمی که همه ما با آن سر و کار داریم، مسائل فکری است. شک نکنید در زندگی انسان مسئله‌ای مهم‌تر از مسئله فکری وجود داشته باشد.

وقتی زیربنای تمام حرکات و فعالیت‌های انسان، فکر است، چرا مسائل فکری را مهم‌ترین مسئله انسان ندانیم؟ این فکر است که می‌تواند زندگی ساز باشد یا زندگی سوز. این فکر است که می‌تواند بهشت‌آفرین باشد یا جهنم‌آفرین. این فکر است که می‌تواند صعوددهنده باشد یا سقوطدهنده.

پس چرا مسائل فکری را مهم‌ترین مسائل انسان ندانیم؟ حتی اگر عمل هم مهم باشد، باید بدانیم این فکر است که عمل‌آفرین است. عمل بدون فکر دوام ندارد. پس مسئله فکر مسئله مهمی است.

روی همین حساب است که دشمنان ما حساب ویژه‌ای روی رسانه‌ها باز کرده‌اند؛ آن هم رسانه‌های همسوساز. رسانه‌هایی که رسالت‌شان چیزی جز مدیریت بر افکار و مسائل فکری انسان نیست. همان رسانه‌هایی که دائم برای مخاطبین خود زمین بازی تعریف می‌کنند که به چه مسائلی فکر کنند و به چه مسائلی فکر نکنند و مهم‌تر اینکه چگونه فکر کنند. کار این رسانه‌ها با مسئله‌سازی شروع می‌شود و با تولید شبهه ادامه پیدا می‌کند. شبهه‌ای که تا دیروز اگر با کندی و سختی و دشواری در جوامع منتشر می‌شد، امروزه به راحتی در بستر رسانه‌ها دست به دست می‌شود و ذهن‌ها را زخمی و آلوده می‌کند.

خب در عصری که به تعبیر شهیدمطهری عصر شبهه و تردید و حیرت است، باید چگونه مسائل فکری را سامان بدهیم که بازچه شبهات و مسئله‌سازی‌های سمی رسانه‌ها نشویم؟

یک راه این است بنشینیم هر شبهه‌ای آمد بلافاصله به منبعی مطمئن رجوع کنیم و به دنبال جوابش بگردیم. این رجوع خوب است و لازم، ولی اقدامی منفعلانه است؛ چون دائم در موضع پاسخ هستیم.



یک راه هم این است به دنبال تحصیل یک نظام فکری منسجم و منظم و جامع باشیم که اگر این مهم ایجاد شود علاوه بر اینکه به یک فهم عمیق، دقیق و جامعی از معارف دین دست پیدا می‌کنیم، در رویارویی با مسائل مختلف و شبهات متعدد هم همیشه دست پر خواهیم بود و فعال. و این بار ما هستیم که می‌توانیم مبانی شبهات را به چالش بکشانیم و رقیب فکری را در مقام پاسخ قرار دهیم. لذا از نظر ما بهترین و مطمئن‌ترین راه، جهت سامان دادن مسائل فکری، تحصیل نظام فکری یک اندیشمند بزرگ است.

در میان همه اندیشمندان اسلامی که همه هم ارزشمند هستند و قابل استفاده می‌توان از شخصیتی جامع، زمان‌شناس، عمیق که دارای آثار روان و مکتوب متعدد هم باشد شهید مطهری را نام برد. شهید مطهری‌ای که حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) در مورد آثار ایشان فرمودند: «بی‌استثناء تمام آثار او خوب است. انسان‌ساز است و عارف و عامی می‌توانند از آن استفاده کنند.» این مدال را امام بر گردن شهید مطهری انداختند. لذا برای تحصیل نظام فکری، آثار شهید مطهری آثاری است مطمئن و مبارک.

مطلب مهمی که در انتها باید عرض کنم این است که پیش‌نیاز تحصیل نظام فکری، سیر مطالعاتی منظم است.

در حال حاضر یکی از بهترین سیرهای مطالعاتی آثار شهید مطهری در سراسر کشور، سیر مطالعاتی «بینش مطهر» است. برای آشنایی بیشتر با این طرح مطالعاتی به سایت «بینش مطهر» به نشانی <https://bineshemotahar.ir> مراجعه کنید.

سبک زندگی کوثری

(از ناس تا نباء)

دکتر زهرا خلغالی

zmnyhi@gmail.com

سوره تبت

با تثبیت دو سوره **ناس و فلق**، در وجود آدمی، سوره توحید شکل می‌گیرد و اخلاص به نسبت اندازه این تعویذ، در وجود فرد تسریع و تبیین می‌گردد، اما اگر این دو «قُل» و دو «أعوذ» در قلب و جان انسان شکل نگیرد؛ درگیری‌های نفسانی باقی می‌ماند و توحید به هیچ‌وجه در دل گمراه او جای نمی‌گیرد؛ فلذا سوره تبت مسیر این گمراهی آشکار را به خوبی ترسیم می‌نماید و نتیجه عدم تحقق «أعوذ» را، غرق شدن در شرهای جای خوش کرده در صدور انسان و «شَرِّ مَا خَلَقَ» می‌داند، به گونه‌ای که به وضوح روحیه پذیرش توحید از آدمی رخت بر می‌بندد، و وی را در «مَالٍ وَّ مَا كَسَبَ» خود غرق می‌کند تا در برابر ظلم بی‌حد وی، خداوند او را تباب نماید.

ابولهب به عنوان یکی از **نمادهای ثروت و دارایی، و ظلم و دشمنی با دین خدا**، مطرح است که به واسطه ابتلا به شرهای درونی و بیرونی، از نوای «قُل» سرپیچی می‌کند و با نادیده گرفتن آن، به فرجامی شوم دچار می‌شود و به نماد شرک و کفر بدل می‌گردد و با لقب ابولهب (پدر آتش) از او یاد می‌شود. این استحالته هویتی به این دلیل شکل می‌گیرد که این فرد در مسیر مخالف توحید گام برمی‌دارد و با اعلام بی‌نیازی به خداوند، نهایت ستم را نسبت به بندگان اعمال کرده و دچار عذابی الیم می‌شود و در شراره‌های آتش «ذَاتَ لَهَبٍ» ماندگار می‌گردد.

طبق نص صریح قرآن، یاری‌گران این ابولهب‌ها، ام‌جمیل‌های «حَمَالَةَ الْحَطَبِ» هستند. در سیره نبوی بر سر واژه «وامرأته» علامت وقف است که علاوه بر حسن قرائت و رعایت موسیقی سوره، این مهم را یادآور می‌شود که این طرفداران و گروه‌ها و تابعین به شکل مضاعف مجازات خواهند شد که اگر این «وامرأته»‌ها نبودند به یقین ابولهب‌ها قد علم نمی‌کردند و قدرت نمی‌یافتند و این چنین ظلم روا نمی‌داشتند.

هر چه سوره احد پر از نام خدا و احدیت اوست، سوره مسد، پر از نگرانی و تشوش و ازدحام و آرزو و طمع است و یاد خدا اصلاً مطرح نیست و دلیل آن **عدم استعاذه به خداوند** است. به عبارت دیگر **استعاذه به خداوند زیربنای سوره احد و بی‌خدایی مبنای سوره مسد** است.

شایان ذکر است بدانیم این سوره از اولین سور مکی است و با نزول آن بزرگ‌ترین دشمن رسول خدا قبل از تبت‌شدن، تمام شکوه و عظمت خود را می‌بازد! گویا ابولهب و همسرش خیلی زود به حکم الهی تن داده و تا ابد پدر آتش گردیدند تا دوزخیان را به مثابه اعمال دنیوی‌شان میهمان آتش سازند.

آورده‌اند «ام‌جمیل» را گردنبندی بی‌بها بود که سوگند یاد کرده بود آن را برای نابودی محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دینش خرج نماید و سزای همین جسارت شیطانی است که وی را حَمَالَةَ الْحَطَبِ نمود که «فی جیدها جبل من مسد» است، یعنی جایگزین آن گردنبند، ریسمانی از پوست سخت خرماست که تا ابد چون قلاده‌ای دردناک به گردن صاحبش که متصل حمل‌کننده هیزم آتش عذاب دوزخیان است، بسته خواهد بود.

و اکنون یک سؤال مهم طرح می‌شود که اگر ابولهب‌ها نابود شوند؛ جامعه اسلامی در انتظار چه تحول و رویداد بزرگی باید باشد؟؟؟



نام‌های دیگر:

ابی لهب، مسد

شماره سوره:

۱۱۱ (چهارم از آخر) و مکی

تعداد آیات:

پنج آیه؛ تب، کسب، لهب، حطب، مسد.

سوره زوج:

احد

محور موضوعی:

نابودی دشمنان اسلام که به جای استعاذه به الله، مال و ما کسب را ترجیح می‌دهند

نفت:

تب:

خسران و زبانی که به هلاکت می‌کشاند.

لهب:

زبانه آتش

مسد:

ریسمانی از لیف خرما

شان نزول:

ابولهب در برابر دعوت پیامبر، به وی «تَبَّالِكُ» گفت.

فضیلت:

هر کس سوره ابولهب را بخواند، امید است با وی جمع نشود.

پرتوی از انسان‌سازی قرآن و انسان‌سازی زن

قسمت دوم



ارزش‌های معنوی در کانون گرم خانواده نقش می‌گیرد و مرکز این کانون زن است. زنی که در مقام همسری و مادری دائماً در حال ایفای نقش است. زن بنا بر طبیعت و خلقت الهی که دارد اگر در هر عرصه‌ای به‌ویژه در معنویات ورود پیدا کند، یقیناً پیشرفت در آن حیطة را چندین برابر می‌کند؛ شاید یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بین زن و مرد در همین مسئله باشد که زنان در حفظ و توسعه ارزش‌های معنوی بسیار موفق‌تر می‌توانند عمل کنند. زنان باید به این مقام خدادادی خود آگاه باشند و از حالت‌های فطری‌شان دور نشوند. آنان ضمن حفظ خصلت‌های الهی خود باید فاصله آن را نیز با مردان نگه دارند.

زنان حقیقاً سررشته قدرت در دست‌شان است. اینکه حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) فرمودند: قرآن انسان‌ساز است و زن نیز انسان‌ساز؛ به همین روح قدرتمند و بلندی اشاره دارد که در نهاد زن به ودیعه گذاشته شده است.

مقام معظم رهبری در جلسات بسیاری به این مهم اشاره فرمودند. مثلاً در یکی از نشست‌ها، ایشان فرمودند: من بعد از محاسبات نهایی به این نتیجه رسیدم که زنان از مردان بسیار قوی‌تر هستند؛ چرا که زن با روش‌ها و هدایت‌های الهی که خداوند متعال در او قرار داده به راحتی می‌تواند در هر مقابله‌ای پیروز شود. این یکی از زیبایی‌های طبیعت و از اسرار خلقت است.

حال اگر این قدرت الهی در زن ضعیف شود، سرمنشأ قدرت به کجا کشیده خواهد شد؟ پاسخ با شما!

بنابراین ایمان و باور به این مقام قبل از هر کسی متوجه خود زنان است. زنان آگاه با نشست و برخاست با قرآن و انس و تدبیر بیشتر در کلام الله، زمینه نفوذ و اثرگذاری خود در خانواده و سپس در جامعه را افزایش می‌دهند، تا ارزش‌های معنوی، و رشد روحی را ارتقاء دهند.

زن، هنگامی مبدأ همه خیرات و برکات و قدرت‌های روحی می‌شود که خود را وصل به یک مبدأ و منشأ دارای تضمین کند، و قرآن کریم از این ضمانت برخوردار است. البته قرآن برای همه انسان‌ها است. زن و مرد، همه در مقابل قرآن برابرند و از برخوردارگی‌های قرآن استفاده می‌کنند. اما ما نمی‌توانیم این حقیقت را کتمان کنیم که بهره‌برداری خانم‌ها از قرآن به مراتب خیلی بیشتر از آقایان است.

متأسفانه در عصر حاضر مقام زن - که غالباً به وسیله دست‌های پنهان پلید، علی‌الخصوص یهودیان - در جهان به حاشیه رانده شده است، تا آنجا که مانع از دست‌یابی زنان به این گوهر ارزشمند شده است.

زن مؤمن و باهوش ما باید هوشمندی به خرج بدهد و مراقب باشد که اسیر توطئه‌های دشمنان نشود، تا به یاری الله رحمن، آرامش، شادی، معنویت و امنیت را برای خود و عزیزانش به ارمغان بیاورد. نقطه عطف جهاد زن همین است، یعنی توجه به الله و توجه و آگاهی به مقام و رسالت خود در دنیا و آخرت. که رضایت خدا و رضایت رسول خدا را در پی دارد.

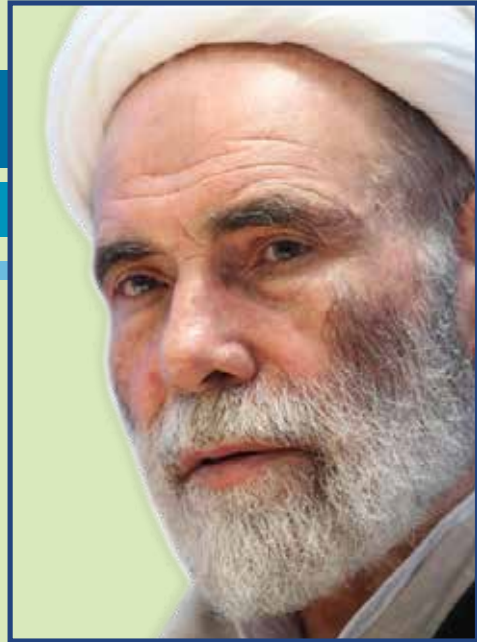
حضرت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند خداوند به زنان مهربان‌تر از مردان است. در مکتب اسلام عشق‌ورزی و مهرورزی زن به همسر و فرزندان معنادار و با نگاه جاودانه است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند که محبت اهل دنیا دوام ندارد؛ چرا که دلیلش، یک دلیل دنیایی است، ولی محبت‌های اهل آخرت باقی می‌ماند؛ چون علتش پایدار است.

عشق‌تان پایدار و جاودانه

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت هفتم



در مؤاخذه، صراحت لهجه به خرج نده!

روایت از علی (علیه السلام) است که فرمود: «عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ»؛ عقوبت کردن عقلاء با تلویح (اشاره) است.

اگر دیدید بچه کار بد کرده است و می‌خواهید مؤاخذه‌اش بکنید، با تلویح او را مؤاخذه کنید. تلویح در مقابل تصریح قرار می‌گیرد و تلویح به معنای اشاره است. ما هم در مکالمات، محاورات عرفیه و حتی نوشته‌ها مان این هست که می‌گوییم: تلویحاً مطلب را به او فهماند؛ یعنی با اشاره. صراحت لهجه به خرج نده! چرا؟ چون پرده‌داری می‌شود. اثر آن از بین می‌رود.

اگر بچه را می‌خواهی تربیت کنی؛ کار بد کرده، کار زشت کرده، با اشاره از او بازخواست کن!

به بچه بگو: یک نفر این کار بد را کرد...

روایت دوم از علی (علیه السلام): «أَلْتَعْرِضُ لِلْعَاقِلِ أَتَشَدُّ عِتَابُهُ»؛ کنایه برای عاقل، شدیدترین عتاب‌ها است.

تعریض، کنایه است. مثلاً انسان بگوید یک کسی بود یک همچین کاری کرد و چنین و چنان شد. نگو تو کردی! تو این کار را کردی، تو آن کار را کردی! اگر صریحاً بگویی معلوم می‌شود خودت باید تربیت شوی. روش تربیت این نیست. باید با ظرافت عمل کنی.

نگاه کنید اسلام، چقدر ظریف برخورد می‌کند!

روش تربیت در اسلام، همسو با فطرت انسانی است. می‌خواهم بگویم اصلاً زیربنای تربیت و اصلاح، حیاست.

می‌خواهید اصلاح کنید؟ تربیت کنید؟ حیاء زیربناست.

آنجایی که می‌خواهی روش رفتاری و گفتاری به دیگری بدهی، خیلی باید مراقب باشی که پرده‌داری نکنی؛ تا اثر داشته باشد.

باید حیاء در فرزند، ملکه شود!

لذا در آنجایی هم که قصد تربیت دارید، باید مراقب باشی که حیاء صدمه نخورد؛ بلکه این استعداد را مثل بقیه استعدادها و قوه‌هایی که

خداوند در انسان نهفته است، روز به روز باید در فرزند شکوفا کنی! باید رو به فزونی برود، شدت و قوت بگیرد و به صورت ملکه در بیاید. آن وقت، رفتارها، کردارها و گفتارهایش همه اصلاح می‌شود. من فکر می‌کنم که تا حدودی توانسته باشم مطلب را رسانده باشم که مسئله، رابطه مستقیم بین تربیت و پرده‌داری و حیاست؛ و گرنه اگر حیاء نباشد دیگر تربیت هیچ معنایی ندارد.

مصونیت تربیتی؛ مخصوص اولیای خاص خدا

خیال نکنی بیمه شدی! اصلاً و ابداً در باب تربیت، این خبرها نیست. اولیای خاص خدا جای خودشان را دارند؛ و گرنه همه ما در معرض این فساد هستیم. خیال نکنی سن و سال و این چیزها مدخلیت دارد! خیال کردی مثلاً پدر مصونیت دارد؟ مادر مصونیت دارد؟ اصلاً و ابداً، نه پدر و نه مادر، هیچ کدام مصونیت ندارند. این حرف‌ها نیست. همیشه در معرض خطری و اتوماتیک‌وار خراب می‌شوی.

تربیت، امری تدریجی الحصول است.

تربیت تدریجی الحصول است و دفعی الحصول نیست. یعنی چه؟ معنای آن این است که با تکرار، شخص صالح می‌شود.

باید تکرار بشود تا شخص فاسد بشود. چه در رابطه با آموزش‌های دیداری، چه گفتاری و چه رفتاری. با یک دفعه تربیت نمی‌شود.

لذا می‌گوییم تربیت تدریجی الحصول است، دفعی الحصول نیست. من این را در باب «حال» و «ملکه و خصلت» عرض کردم که فرق بین این‌ها چیست؛ حال: حالت و کاری است که انسان یکدفعه انجام می‌دهد.

فرض کنید من (در بُعد دیداری) یک نگاهی کنم، در یک لحظه عکسبرداری کنم؛ این حال است.

اما اگر این در من بماند، ثبت و ضبط شود؛ به طوری که فراموش نکنم؛ این ملکه و خصلت است که با یک بار هم حاصل نمی‌شود.

شما هم چیزی را بخواهی حفظ کنی، با یک بار حفظ نمی‌شوی. وقتی تکرار شد به صورت ملکه در می‌آید.

اول حال است، یک چیزی روی روح می‌آید، و نقشی می‌گذارد.

اما چه وقت عمق پیدا می‌کند و به صورت روش در می‌آید که در من اثر می‌گذارد؟ آن موقعی است که به صورت ملکه در بیاید.

ملکه چگونه پیدا می‌شود؟ با تکرار. مدام بیاید، مکرر شود؛ هرچه بیشتر، عمق آن هم بیشتر!

ادامه دارد...

شهید «حسین قجهای» از قاب اسوه

آنان که وامدارشان هستیم

اعظم خوبرو

علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) در تعریف کلمه «سیره» می‌فرماید: سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری‌ها و عمل کردن‌ها، شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است. سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینکه چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟

آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟ آیا سیره‌ها را بدانیم تا فقط گاهی نقل قولی زیبا برای سخنوری و جذب مخاطب داشته باشیم؟

آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می‌فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» بحث الگو و اسوه‌داشتن فقط برای مواردی که بر شمرديم نیست.

یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو گرفته‌ام.

گاهی بسیار از شهدا گفته میشود و اشک‌ها ریخته می‌شود و خون‌ها به غلیان می‌افتند و... خوب است، اما اگر به الگوبرداری و عمل منجر نشود ما چه به دست می‌آوریم؟

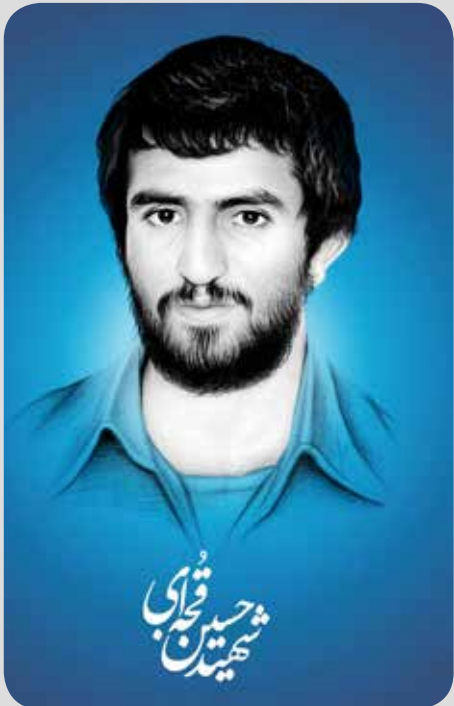
این‌ها سؤالاتی جدی است که باید از خود پرسیم. در محضر سردار رشید اسلام، شهید «حسین قجهای»، درود خدا بر حسین قجهای... شبیه او بشویم. روز عاشورا به دنیا آمد.

بحث سر نامگذاری بچه بود؛ اعضای خانواده هر کدام اسمی پیشنهاد دادند، حاج جواد سرش را انداخت پایین تا کسی اشک‌هایش را نبیند و گفت: «به جز حسین چه اسمی می‌شه گذاشت، اسم دیگری برازنده این روز و این بچه نیست؛ آخر امروز عاشورا است، روز اقام حسین».

حاج جواد بعد از خواندن اذان در گوش بچه و نامیدن او؛ پسرش را به سینه‌اش چسباند و آهسته توی گوشش گفت: «حسینم، می‌خوام نوکر خوبی برای حسین زهر (سلام الله علیها) باشی، باباجون می‌خوام پیش سیدالشهدا (علیه السلام) روسفیدم کنی».

نیروهایی تربیت کرد که از فرماندهان جنگ شدند

پس از پیروزی انقلاب، حسین به عده‌ای از جوانان



پرشور و انقلابی آموزش مختصری داد تا با هم به نگرهبانی از مراکز نظامی و صنایع اطراف شهر بپردازند. پس از دستور تشکیل سپاه پاسداران، به همت حسین، سپاه پاسداران زرین‌شهر شکل گرفت، در همان مدت کوتاهی که در سپاه زرین‌شهر بود آن‌چنان عمل کرد که رفتارشان الگو و سرمشق همه مدیرها بود؛ او نیروهایی تربیت کرد که اکثراً از فرماندهان جنگ شدند.

کار سخت‌تر، اجرش بیشتر

هیچ‌جای کردستان امنیت نبود، فقط چند ساعت در روز امکان تردد در جاده‌ها وجود داشت، شب‌ها هم منطقه دست ضد انقلاب بود؛ پس از چند روز با سختی بسیار به دزلی و پیش حسین رسیدم، گفتم: «اینجا کجاست که انتخاب کردی و آمده‌ای؟» با لبخند همیشگی گفت: «مگر نخوانده‌ای و نمی‌دانی که هر چه کار سخت‌تر باشد اجر و ثوابش هم بیشتر است؟!» کردستان هنوز ناآرام بود اما حسین با سلاح در شهر حرکت نمی‌کرد و می‌گفت: «هن نیامده‌ام با این مردم بجنگم و برای آنها قدرت‌نمایی کنم؛ این‌ها تشنه محبت هستند، باید با آن‌ها برادری کرد تا اوضاع آرام شود» الحق هم که شهر و منطقه را با همین مرام و منش، آرام و قلوب مردم گرد را تسخیر کرد.

حتی نباید در عرصه ورزش صحنه را خالی کرد

حسین مجروح بود، آمده بود مرخصی، متوجه شد که مدتی است برای تمرین کشتی به باشگاه نمی‌روم، ناراحت شد، خودش ساکم را بست و روانه باشگاهم کرد؛ او می‌گفت: «الآن زمانی نیست که صحنه را خالی کنیم» و ما را بیاموز مقاومت و استقامت در راه حق را...

عضو مهمی که نادیده گرفته می شود

از متن رساله حقوق این طور برداشت می شود این عضو حساس، یعنی دستگاه گوارش و فعالیت های جذب و هضم آن، در انسان دارای جایگاه ممتازی است.

امام (علیه السلام) با اشاره به جنبه اصلی این حق مهم، می فرماید: مراقب باش که شکمت را ظرف حرام قرار ندهی، نه کم و نه زیاد و در بخش حلال هم میانه رو باش و اندازه نگه دار. به این ترتیب فلسفه بهره مندی از این امکان بزرگ را معرفی کرده اند و فرموده اند مراقب باشید در بهره برداری از این امکان از حد تقویت خویشتن نگذری تا به خودت اهانت نکنی و جوانمردی تو آسیب نبیند.

آنگاه امام (علیه السلام) یک تبیین بسیار دقیقی در مورد مطلب داشتند و بیان فرمودند که اشتباه در این بخش، زیاده روی، اندازه نگه نداشتن و اسراف، نتیجه اش آسیب های جسمی و روحی بسیار زیاد است و نمونه هایی را حضرت اشاره فرموده اند. زیاده روی باعث کسالت، بیماری های جسمی، تنبلی، جدا افتادن از کارهای خوب و شایسته، تولید نادانی و کاهش خرد و همچنین آسیب به جوانمردی و مرآت می شود. عدم رعایت حق این عضو اساسی و اصلی، بازتابها و آثار عجیبی در شخصیت انسان از خود به جای می گذارد. ما در این زمینه بسیار غافل هستیم. پروردگار متعال یکی از بزرگ ترین آیاتش را در وجود ما - در کنار دهها نشانه دیگر - قرار داده است که ما دائم با آن ارتباط داریم و از حضورش بهره مند می شویم، ولی از آن غافل هستیم.

قرآن در این باره هشدار می دهد و می فرماید: «وَكَايِنَ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» و چه بسیار نشانه ها در آسمانها و زمین است که بر آنها می گذرند؛ در حالی که از آنها روی برمی گردانند».

به آن از این منظر توجه نمی کنیم که دستگاه گوارشی یک آینه است که ما در آن می توانیم قدرت، خلاقیت، عظمت، شکوه، ابداع و نوآوری و عنایت پروردگار عزیز و مهربان و بزرگمان را مشاهده کنیم. این یک زاویه دید است. راجع به همه اعضا و جوارح و امکاناتی که خدای متعال به ما داده، باید چنین نگاهی داشته باشیم؛ منتها این بطن است، اسمش با خودش است. بطن، یعنی پنهان است و دیده نمی شود، جلوی چشم ما نیست؛ لذا به مطالعه و مراجعه نیاز دارد. این روزها به حمدالله امکان چنین مطالعه و مراجعه ای برای همه فراهم است و مثل قدیم نیست؛ لذا هیچ توجیهی پذیرفتنی نیست.

مطالعه در این زمینه خیلی سودمند است و نگاه انسان را تغییر می دهد. انسان وقتی متوجه می شود چه مجموعه عظیمی، با چه مأموریتها و مسئولیت هایی در این بخش در اختیارش است، خیلی از مراقبتها را به شکل طبیعی انجام می دهد و بالاتر از این، حظ و بهره معنوی و معرفتی و عرفانی ای است که از رهگذر این توجه نصیبش خواهد شد. این همان «الله اکبر»ی است که وقتی به این دستگاه توجه پیدا می کنیم، می گوییم.

اهمیت فوق العاده غذا بر جان آیات قرآنی و روایات اهل بیت و سیره اولیاء خدا، به ما می گوید آنچه می خوریم، تأثیر زیادی بر ما دارد؛ لذا کیفیت، کمیت و اندازه آن اهمیت فوق العاده ای دارد.

بیماری های بسیاری وجود دارد که مستقیماً یا با واسطه مربوط به دستگاه گوارش است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «شکم مایه درد است و پرهیز مایه دوا».

مراجعه به طعام و خوراک به ما نشان می دهد که غذا آثار جسمی، روانی، روحی و معنوی عجیبی دارد و ما باید بسیار مراقب باشیم. این جمله قرآن که «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» پس انسان باید به خوراک خود بنگرد، نیز نشان دهنده همین مسئله است. انسان باید حواسش به خوراک خود باشد. مسئله دستگاه گوارش و خوردن و آشامیدن فوق العاده مورد عنایت خالق هستی و اولیاء خدا است. هم در مباحث فقه اکبر که شامل سیر و سلوک، اخلاق، معنویات و مراقبات است و هم در فقه اصغر که احکام حلال و حرام و مستحب و مکروه است، این موضوع به شدت مورد عنایت است.

شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) توسط حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد حاج علی اکبری





علامه مصباح یزدی: امروز مقام معظم رهبری نماد راه اهل بیت (علیهم السلام) است

انسان با تولدش خواسته‌ها و نیازهایی پیدا می‌کند و به دنبال رفع آن‌ها برمی‌آید. هنگامی که وارد جامعه می‌شود برای دستیابی به خواسته‌های خود دچار تراحماتی با سایر انسان‌ها می‌شود که می‌تواند موجب هرج و مرج گردد. در این میان نیازمند قانونی است که زندگی اجتماعی را سامان دهد. عده‌ای از حکما تصمیم گرفتند به جامعه نظم ببخشند، و فلسفه سیاست را به‌وجود آوردند، و به همین ترتیب انواع مکاتب سیاسی شکل گرفت تا امروزه به دموکراسی مدرن و حکومت پارلمانی رسیده و تمام این‌ها در سایه خواسته‌های نفسانی و روانی انسان بوده است.

در میان این تحولات، عده‌ای برانگیخته شدند که ارزش‌های حقیقی انسان را ملاک زندگی برشمردند و تبعیت بی‌قید و شرط از غرائز حیوانی را مخالف با هدف آفرینش معرفی کرده، انسان‌ها را نسبت به حقیقت هستی مطلع کردند، و تعالی روح انسان را ملاک رشد و آسایش دانستند.

در میان این پیامبران و انبیای الهی، پنج نفر تحولاتی بنیادی در تاریخ زندگی بشر ایجاد کردند که آخرین آن‌ها پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود که حقیقت انسانیت و خلقت را به بشریت معرفی کرد و تحولی در عالم ایجاد نمود، ولی متأسفانه پس از رحلت ایشان، هنوز بدن گرمی‌شان دفن نشده بود که امت او از تعالیم حیاتبخش اسلام زاویه گرفتند و یک قرن نگذشت که دوباره حکومت سلاطین آغاز شد. همه مسلمانان قرآن را به عنوان قانون زندگی می‌شناسند، اما ریشه‌ای ترین اختلافی که میان مسلمانان پیدا شد این بود که مجری قانون چه کسی باشد؛ آیا مجری قانون نیز باید از طرف خدا تعیین شود یا مردم می‌توانند او را تعیین کنند.

هسته اولیه این تفکر که تعیین حاکم به عهده مردم باشد، از روز وفات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شکل گرفت، و کسانی که هفتاد و چند روز قبل در واقعه غدیر خم با حضرت علی (علیه‌السلام) به‌عنوان منتخب الهی بیعت کردند، خود را به فراموشی زدند و خود را متصدی تعیین حاکم معرفی نمودند و نتیجه این شد که در طول این ۱۴۰۰ سال، سلاطینی به نام دین بر مردم حکومت کردند.

این جریان تا زمانی ادامه داشت که امام خمینی، آن مرد الهی، پرچم دین را برافراشت و گویا جامعه اسلامی دوباره متولد شد و سخنانی مطرح کرد که با حقیقت الهی زندگی انسان متناسب بود و مهم‌ترین اصل آن این بود که کسی باید در مقام اجرای قانون قرار گیرد که مأذون از طرف خدا باشد.

در رتبه اول، انبیاء از طرف خداوند مأمور اجرای قانون هستند و در رتبه بعد ائمه (علیهم‌السلام)، و این وظیفه الهی بعد از ایشان بر عهده کسی قرار داده شده است که در علم، تقوا و مدیریت اشبه به معصوم است، که از آن به ثنوری ولایت فقیه نام برده می‌شود.

خیال نکنیم حال که ما به برکت امام، اسلام را شناختیم کار تمام است، زیرا ممکن است در مقابل جوسازی‌ها و تبلیغات، زمینه انحرافمان فراهم شود، و همین ما می‌توانیم مسیر الهی انقلاب را تغییر دهیم.

اگر کسانی ما را به خطوط انحرافی و زاویه‌دار از مواضع مقام معظم رهبری می‌کشند، هوشیار باشیم و از تاریخ درس بگیریم، زیرا همان‌طور که در صدر اسلام، اطرافیان پیامبر موجب انحراف مسیر اسلام شدند، امروز نیز برخی کسانی که به‌دست امام (رحمت‌الله‌علیه) به مقامی رسیدند، کارشان به جایی رسیده که می‌خواهند اصل این نظام را بر باد دهند. امروز نماد راه اهل بیت (علیهم‌السلام) مقام معظم رهبری است و ما باید چشم و گوش‌مان متوجه اشارات و بیانات ایشان باشد.

حضرت ام البنین (سلام الله علیها) و

زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

حضرت ام البنین گریه و نوحه خوانی را وسیله و راهی برای فریادزدن به مظلومیت امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت برگزیده بود.

او عبیدالله فرزند حضرت عباس را با خود می برد و به بقیع می آمد و بر «کشته اشکها» اقامه ماتم می نمود.

و با گریه ای حزن آور بر فرزندان خویش می گریست.

ام البنین حسرت و آرزوی آن را داشت که ای کاش او و فرزندانش و همه اهل زمین فدای امام حسین می شدند، اما امام زنده بود.

ام البنین از این حرکت چند هدف داشت:

اول: اقامه عزاداری بر سرور شهیدان، ریحانه پیامبر، امام حسین و بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی.

دوم: برای مردم از شجاعت امام و فرزندانش و همچنین از مظلومیت شان پرده بردارد و با آنان بر تاریخ افتخار ورزد.

سوم: اتفاقات کربلا و ستم هایی که بر آل پیامبر وارد شد و فجایعی که هر مخلوقی از آن شرم دارد را بیان کند و این مهم را با این روش و در قالب گریه عاطفی بیان می کرد و این چنین اعتراض خویش به وضعیت موجود و حکومت طاغوت را اعلام می داشت.

چهارم: حاکمان ستمکار را رسوا می ساخت. حاکمانی که بر همه امور امت تسلط داشته، مردم را گمراه نموده و در گذر زمان، حقیقت را وارونه می ساختند. پس ام البنین با این روش، حق و حقیقت را آشکار می کرد. پنجم: مردم را علیه بنی امیه و گناهان شان برمی انگیخت و خونخواهی شهیدان اهل بیت می کرد.

ششم: با آنکه مزار حضرت عباس و برادرانش در کربلا بود، اما ام البنین به بقیع می رفت تا مردم در آنجا گرد آیند و ستم هایی که بر امام حسن و حضرت فاطمه رفته بود، برای شان یادآوری شود و خاطرات مرده مان با پیامبر در آن مکان برای شان بازسازی نماید و آنان را از موضع گیری های مسلمانان صدر اسلام در دفاع از پیامبر و خاندانش، که هم اکنون در این مقبره متبرک جای گرفته بودند، آگاه سازد.

هفتم: او، نوه اش عبیدالله بن عباس را با خود می آورد؛ به این دلیل که وی در واقعه کربلا حضور داشت. عبیدالله، شاهدهی عینی و دلیل برهانی زنده بود تا ماجرای کربلا را برای مردم و برای نسل های آینده، روایت کند و کودکان هم سن و سال او و نیز مردان و زنان بزرگسال نزد او اجتماع کنند.

آن بانوی بزرگوار، پس از حادثه جانسوز کربلا، بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را در زنده نگه داشتن حماسه جاویدان عاشورای حسینی به زیباترین شکل ممکن به انجام رسانید.

بخشی از مقاله «ویژگی ها و فضایل ام البنین» به قلم «زهره زحمتکش»





ای منتظرِ قدمِ زمامدارِ عادلِ مطلق؛ او منتظرِ توست!

باید امید و انتظار ظهور حضرت بقیه‌الله (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) را شایسته‌تر از تصورات معمولی درک کنیم و باید بدانیم جریان مشیت الهی خدای بزرگ درباره جهان هستی چنین است: باغبان با دیدن هسته گل و آب و خاک مناسب، گل شکوفان شده را می‌بیند. با کاشتن و نهفتن آن هسته در زیر خاک، طراوت و زیبایی گل، باغبان را خندان و شادمان می‌سازد. به هنگام راه رفتن، زیر پای خود را می‌بیند تا مبادا آن هسته در خاک فرورفته را پایمال کند. چرا؟ زیرا باغبانی که هسته گل را در زیر خاک پوشانده است، گل می‌خواهد و گل دارد.

آیا دیده‌اید باغبانی، پس از آنکه نهالی را در زمین کاشت، در زیر آن آتش برافروزد و ادعا کند من درخت میوه‌دار را نمی‌سوزانم؟! مگر درخت میوه‌دار، غیر از همین نهال است که چند صباحی نیازمند طلوع آفتاب و تغذیه از مواد زمین و آب می‌باشد؟

ای شخص الهی! تو که امروز به دیدار رهبر الهیات نشسته‌ای و آه سوزان از درون شعله‌ورت بیرون می‌آوری؛ ای منتظرِ قدمِ زمامدارِ عادلِ مطلق، که در دل شب‌های تاریک، با وجود پشت پرده‌ای او، به راز و نیاز می‌پردازی! او با توست؛ چرا تو با او نیستی؟

اگر می‌خواهی با او باشی، به همین مزرعه و گلشن روی زمین نظاره کن؛ اینجاست جایگاه شکفتن آن دسته گل ابدیت.

آیا می‌دانی هوی و هوس پرستی تو و ستمکاری تو بر دیگران و بی‌اعتنایی‌ات به دستورات الهی، پایمال کردن این مزرعه و گلشن است که دسته گل خندان تو، از همان جا سر بر خواهد زد؟

هر بامداد که از خواب شبانه برمی‌خیزی، به سوی خدای بزرگ که در همه‌جا حاضر است، دست بلند کن و بگو: «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ» بار پروردگارا! آن جمال دلربای با عظمت و آن سیمای محبوب را به ما نشان بده.

اگر می‌گویی از کجا بدانم محبوب ابدی من، چهره زیبای خود را به من نشان داده است؟ پاسخ این سؤال را از کردار و گفتار روزانه خود بپرس؛ اگر دیدی گفتار و کردار تو، مطابق دستورات الهی و وجدان پاک صورت می‌گیرد، بدان که آن محبوب زیبای ابدیت، در نهانخانه دل تو، گام گذاشته است و تو کسی هستی که اگر دولت آن رهبر عادل الهی، امروز فرا برسد، شایسته زندگی در زیر پرچم الهی آن یگانه پیشوای بشریت می‌باشی.

آری این است امید و انتظار!

خبرخوب، حس خوب

برای تشخیص بیماری خودتان و خانواده نیاز به آزمایش و سونوگرافی نیست.

فقط از طریق معاینه زبان، توسط دکتر «شیرازی» متخصص طب سنتی در کشورهای اروپایی و ایران از بیماری خود آگاه شوید.

حضور دکتر فقط روزهای چهارشنبه بعدازظهر

پذیرش خیلی محدود

تلفن رزرو:

۰۲۱-۵۵۳۷۴۴۱۸

۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵

ساختمان سلامت اسوه پویا



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانی

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین‌تر از چهار راه لشکر- روبه‌روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵